



رابطه مهارت حل مسئله و سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف شهر کرمانشاه

هادی رشیدی فرد^۱، دکتر سعیده السادات حسینی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف شهر کرمانشاه بود. روش مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجراء، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه معتادان مرد بود که در سال ۱۳۹۷ جهت ترک اعتیاد به مراکز دولتی یا خصوصی شهر کرمانشاه، مراجعه کرده بودند. از میان آن‌ها به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، تعداد ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های پژوهش توسط پرسشنامه‌های حل مسئله اجتماعی لیندا و البرگ و همکاران (۲۰۰۰) و اطلاعات شخصی سوء مصرف جمع‌آوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. نتایج نشان دادند، بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف رابطه وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بر اساس مهارت حل مسئله، می‌توان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف را پیش‌بینی نمود. نتایج کلی نشان داد، بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: مهارت حل مسئله، سوء مصرف مواد، مردان معتاد، شهر کرمانشاه

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
^۲ گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران



مقدمه

اعتیاد یا وابستگی و سوء مصرف مواد، به منزله یکی از بزرگترین، مشکلات بهداشتی امروزی در دنیا است که زمینه ساز ایجاد مشکلات بسیاری برای ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (باران اولادی، نویدیان و کاوه فارسانی، ۱۳۹۳). بسیاری از مطالعات و پژوهش های ۵۰ سال گذشته، در پی شناسایی علت های اصلی اعتیاد برآمدند (بخشی پور و رودسری، ۱۳۸۷). اختلال سوء مصرف مواد جوامع بشری را بیشتر از بسیاری از موارد دیگر، مورد تهدید قرار داده است. اعتیاد به منزله عادت افراد به انجام رفتار و یا مصرف ماده و دارویی است که برای فرد صدمات جبران ناپذیری به همراه داشته و کنترل و عدم مصرف در فرد، سخت تلقی می شود. به نوعی که فرد نوعی تنش اجباری در مصرف ماده، دارو و یا انجام رفتاری آسیب زننده خواهد داشت که لطمه های بسیاری در پی خواهد داشت. اعتیاد، به منزله یکی از مشکلات بزرگ در دنیا تلقی شده است که زمینه های از هم پاشی خانواده و حتی، اجتماع را فراهم می کند (داودی، مهرابی زاده هنرمند و هاشمی، ۱۳۹۶).

در بین عوامل گرایش به مصرف مواد، متغیرهای روانشناختی از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که روانشناسان معتقدند تاثیر عوامل زیستی و اجتماعی نیز باید از دریچه گرایش های روانی فرد بگذرد بنابراین عادت سوء مصرف مواد علاوه بر متغیرهای زیستی-اجتماعی، به متغیرهای روانشناختی از جمله نگرش افراد نیز بستگی دارد و تغییر آن می تواند از گرایش فرد به مصرف مواد مخدر پیشگیری کند. امروزه علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مشکلات زندگی، فاقد مهارت ها و توانایی های لازم و اساسی هستند، همین امر، آنها را در مواجهه با مشکلات، آسیب پذیر نموده و در معرض انواع اختلالات روانی-اجتماعی و رفتاری قرار می دهد (رهبری، باباپور و صبوری مقدم، ۱۳۹۷)، همچنین همانطور که گفته شد، مصرف کنندگان مواد، خصوصیات روانشناختی ای دارند که می تواند عامل خطر ساز مهمی برای آنان باشد. از جمله این ویژگی ها می توان از نداشتن مهارت های زندگی، مانند مهارت حل مسئله، مهارت جرات ورزی، ارتباط صحیح با دیگران، سبک اسنادی و ... نام برد (الیس و راتلیف^۱، ۱۹۹۵). آموزش مهارت های زندگی، عوامل سبب شناختی کلیدی را با استفاده از چارچوب مفهومی مشتق شده از نظریه یادگیری اجتماعی و رفتار مشکل هدف قرار می دهد (بوتوین و گریفین^۲، ۲۰۱۵؛ به نقل از ولاسکو، گریفین، بوتوین و سلاتا^۳، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان داده است که برنامه های آموزش مهارت های زندگی موجب پیشگیری از اعتیاد و کاهش گرایش به سوء مصرف مواد و الکل می شود (دریتسا و تنودوراتو^۴، ۲۰۱۷).

¹ Ellis & Ratillff

² Botvin & Griffin

³ Velasco, Griffin, Botvin & Celata

⁴ Dritsas & Theodoratou



یکی از مهارت‌های بنیادین زندگی، مهارت حل مسأله است. مهارت حل مسأله یکی از موارد متعادل سازنده اثر رویدادهای منفی در زندگی افراد است و به منزله کلیه، توانایی، نگرش و مهارت‌ها بوده که افراد را قادر ساخته، بتوانند در برابر مشکلات زندگی، راهکارهای مؤثر و سازنده انتخاب کنند (سیدفاطمی، خوشنوامی فومنی، بهبهانی و حسینی، ۱۳۹۲).

مهارت حل مسأله نوعی سپر در برابر اثرات منفی حوادث اضطراب زای زندگی ایجاد کرده و افرادی که واجد این توانایی نباشند، بیشتر در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند. یکی دیگر از مباحث مهمی که به نوعی در ارتباط با حل مسأله است و نقشی اساسی در گرایش فرد به اعتیاد دارد، توانایی تصمیم‌گیری فرد است. تصمیم‌گیری به معنی فرایندی است که زمینه انتخاب بهترین راهکار در میان راهکارهای موجود را فراهم می‌کند (میر کمالی، ۱۳۷۳؛ به نقل از ناصری، ۱۳۹۴).

حال با توجه به پیامدهای مثبتی که مهارت حل مسأله در زندگی افراد دارد و می‌تواند سلامت جسمی و روانی افراد را در برابر سختی و مصیبت‌ها محافظت کند و به منظور ترویج و ارتقاء آن را در بین گروه‌های سوء مصرف مواد بر آنیم رابطه مهارت حل مسأله که یکی از عوامل شکل‌دهی شخصیت افراد است بررسی کرده و میزان آن را بسنجیم در واقع می‌خواهیم به پاسخ این سوال دست یابیم که آیا افرادی که مهارت حل مسأله بالایی دارند در برابر سوء مصرف مواد ایمن هستند؟

روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه‌ی اجراء توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل معناتان مردی بود که در سال ۱۳۹۷ جهت ترک اعتیاد به مراکز دولتی یا خصوصی شهر کرمانشاه مراجعه کردند که تعداد آنها بنا به آمار به دست آمده، است. از میان افراد جامعه تعداد ۱۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا، البرگ و همکاران (۲۰۰۰) و پرسشنامه اطلاعات شخصی سوء مصرف بود.

پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا والبرگ و همکاران (۲۰۰۰): این پرسشنامه شامل ۸ سؤال بوده و تک بعدی است. پاسخ‌دهی به سؤال‌های این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت است. برای بررسی روایی این مقیاس لیندا و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه خود از روش بازآزمایی استفاده نموده و روایی مطلوب ۰/۷۲ گزارش کردند. همچنین برای بررسی پایایی به کمک آلفای کرونباخ پایایی ۰/۸۱ گزارش نمودند.



پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا والبرگ و همکاران (۲۰۰۰): این مقیاس در بردارنده اطلاعاتی درباره شماره پرونده، سن، میزان تحصیلات، سن ازدواج، شغل، سن شروع مصرف، روش مصرف، نوع ماده مصرفی، دوز متادون اولیه در شروع درمان، دوز متادون در حال حاضر و طول مدت درمان نگهدارنده بود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در دو بخش توصیفی (میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی و نمودار) و استنباطی (آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته ها

در این بخش قبل از بررسی فرضیه ها نرمال بودن توزیع داده ها با استفاده از شاخص های چولگی و کشیدگی و آزمون نرمالیت کلموگروف-اسمیرنوف، مورد بررسی قرار گرفت که نشان از توزیع نرمال متغیرها بود. در ادامه به بررسی فرضیه های پژوهش پرداخته می شود.

فرضیه ۱: بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان خود معرف رابطه وجود دارد.
به منظور بررسی وجود رابطه بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در ذیل آورده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد

مهارت حل مسأله	سوء مصرف مواد
همبستگی	$-.0764^{**}$
p	$.000$

$p < 0/05^*$

$P < 0/001^{**}$

مطابق با جدول بالا، نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از آن است که در بین ۱۲۰ پاسخگوی مورد مطالعه ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha = -0/0000$ برابر با $r = -0/764$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha = 0/05$ کمتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می شود بنابراین نتیجه می گیریم که بین مهارت حل مسأله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مهارت حل مسأله میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف نیز کاهش می یابد.



فرضیه ۲: بر اساس مهارت حل مسئله می توان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف را پیش بینی نمود.

به منظور بررسی پیش بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف بر اساس مهارت حل مسئله از رگرسیون استفاده شد که نتایج در ذیل آورده شده است:

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف بر اساس مهارت حل مسئله

تحلیل واریانس (Anova)		خلاصه مدل (Model Summary)		
F	R ² تنظیم شده	R ²	R	روش
*۲۱/۴۲	۰/۳۱۴	۰/۳۳۶	۰/۵۸۰	همزمان

با ورود متغیر پیش بین به معادله پیش بینی، ضریب تبیین ۰/۳۱۴ به دست آمد، که نشان می دهد متغیر حل مسئله، قادر به تبیین ۳۱/۴ درصد واریانس سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف می باشد و مهارت حل مسئله به صورت منفی و معنادار قادر به پیش بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف بوده است یعنی با افزایش مهارت حل مسئله، میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف کمتر می شود.

جدول ۴: ضریب پیش بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف

متغیر	ضریب غیراستاندارد B	خطای انحراف استاندارد	ضریب غیراستاندارد β	سطح معناداری
مهارت حل مسأله	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۴۷۶	۰۰/۰۰

مطابق با جدول بالا، مهارت حل مسئله در پیش بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف ۰/۴۷۶ بوده است، به عبارتی مهارت حل مسئله می تواند تا ۴۷/۶ درصد از سوء مصرف مواد در مردان را پیش بینی کند.

بحث و نتیجه گیری

همانطور که در نتایج تحلیل فرضیه اول به آن اشاره شد، مهارت حل مسئله میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمصرف را کاهش می دهد. این نتایج با یافته های معصومی مفرد، علیزاده، خامسان (۱۳۹۳)؛ ریاحی (۱۳۹۲)؛ صابر، موسوی و صالحی (۱۳۹۰)؛ خانجانی، اسمری و امین زاده (۲۰۲۰)، قبادی، کاظم نژاد، جعفری و شفیع پور (۲۰۲۰)، حبیبی، نیکبخت، شعبانی و صالح مقدم (۲۰۱۶)، تاجیک زاده، زارع و عباسی (۲۰۱۶) همخوانی دارد. در تبیین این نتایج می توان گفت، یکی از عواملی که در شکل گیری اعتیاد می تواند مؤثر باشد، ضعف فرد در مهارت های حل مسأله است. مهارت حل مسأله یکی از



موارد متعادل سازنده اثر رویدادهای منفی در زندگی افراد است و به منزله کلیه، توانایی، نگرش و مهارت ها بوده که افراد را قادر ساخته، بتوانند در برابر مشکلات زندگی، راهکارهای مؤثر و سازنده انتخاب کنند. مهارت حل مسأله نوعی سپر در برابر اثرات منفی حوادث اضطراب زای زندگی ایجاد کرده و افرادی که واجد این توانایی نباشند، بیشتر در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می گیرند. مطالعات بسیاری نیز به نتایجی مشابه دست یافتند از جمله اینکه معصومی مفرد و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای به مقایسه کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسأله در نوجوانان با و بدون سوء مصرف مواد مخدر پرداختند. یافته های این پژوهش که نشان داد، افراد معتاد در کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسأله ضعیف تر از افراد بدون سوء مصرف مواد می باشند، می تواند در برنامه های پیشگیری و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین ریاحی (۱۳۹۲) در مطالعه ای به مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های تصمیم گیری در افراد سوء مصرف کننده شیشه و هروئین با افراد عادی در شهر شیراز پرداخت. نتایج نشان داد که از نظر سبک های تصمیم گیری میان دو گروه شیشه و هروئین تفاوت معناداری دیده نشد؛ اما بین گروه شیشه و هروئین با گروه غیر مصرف کننده از نظر سبک تصمیم گیری منطقی تفاوت معنا دار وجود دارد. خانجانی و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه ای به بررسی اثربخشی مهارت های حل مسئله در آموزش گروهی بر پتانسیل اعتیاد سربازان پرداختند. یافته ها نشان داد که آموزش حل مسئله در کاهش پتانسیل اعتیاد موثر بوده است و آموزش مهارت های حل مسئله به صورت گروهی، ۵۲ درصد از واریانس کل متغیر بالقوه اعتیاد را تشکیل می دهد. آموزش مهارت های حل مسئله، با افزایش ظرفیت روانشناختی به سربازان کمک می کند تا با سازگاری با محیط، تمایل خود به اعتیاد را کاهش دهند. حبیبی و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه ای به اثربخشی مهارت حل مسئله خانواده محور بر میزان عود، خودکارآمدی و عزت نفس در سوء مصرف کنندگان مواد پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که مهارت های حل مسئله منجر به افزایش عزت نفس و خودکارآمدی فرد شده و همچنین کاهش سوء مصرف مواد شده است.

در بررسی فرضیه دوم، نتایج پژوهش نشان داد که مهارت حل مسأله، سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف را پیش بینی می کند. به عبارتی نتایج این بررسی نشان می دهد که هرچه مهارت حل مسئله و تصمیم گیری بالاتر باشد، مردان معتاد خود معرف نیز، سوء مصرف مواد پایین تری خواهند داشت. در تبیین نتایج باید گفت، در سال های اخیر رویکردهای متفاوتی برای درمان سوء مصرف مواد مورد توجه قرار گرفته است که یکی از مهمترین آن، آموزش مهارت های زندگی برای ترک سوء مصرف مواد بوده است. از طریق آموزش مهارت های زندگی، فرد می تواند ضمن برقراری روابط سالم و دوستانه با همسلان و سایر افراد خود را جمع مطرح کرده و نیاز به احترام را برآورده می کند. در نتیجه فردی که توانایی در مهارت های تصمیم گیری به عنوان یکی از مهارت های زندگی داشته باشد، بهترین بازخورد رفتار را می بیند و نیازی نیز برای جبران بازخوردهای اشتباه، دست به سوء مصرف مواد بزند (ناصری، ۱۳۹۴).



اگرچه پژوهش محدودیت هایی با خود به همراه داشته است. از جمله نوع ابزار اندازه گیری که محدود به پرسشنامه ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه های شرکت کننده در پژوهش که صرفا تعدادی از معتادان شهر کرمانشاه بوده اند و تعمیم آن به سایر معتادان باید با احتیاط صورت گیرد، در مجموع یافته های حاصل از این پژوهش در راستای سایر تحقیقاتی که در زمینه سوء مصرف مواد مخدر، تایید کننده ی رابطه منفی و همچنین داشتن نقش پیش بین متغیر مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد بود. این یافته برای دست اندرکاران سلامت روان و مسئول در ارتقاء سطح سلامت جامعه، درمانگران و سازمان های مسئول در زمینه خدمات روانشناسی و مشاوره به معتادان و سازمان های ترک اعتیاد می تواند کمک کننده و راهنما باشد؛ همچنین برگزاری کارگاه های روان درمانی و آموزش مهارت های حل مسئله (مانند آنچه در پروتکل آموزشی مهارت های زندگی آموزش داده می شود) به افراد دارای سابقه مصرف مواد مخدر در جهت غلبه بر تنش های ناشی از مصرف مواد پیشنهاد می شود.

منابع

- باران اولادی، صادق؛ نویدیان، علی و کاوه فارسانی، ذبیح اله (۱۳۹۲). بررسی رابطه اعتیاد پذیری با ویژگی های شخصیت، همنوایی و جنسیت، انشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۲: ۳۳-۴۲
- بخشی پور رودسری، قاسم. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی، سبک مساله گشایی و نگرش مذهبی با مصرف مواد مخدر در میان زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد کرمانشاه.
- داودی فریبا، مهربابی زاده هنرمند مهناز، هاشمی سید اسماعیل. (۱۳۹۶). رابطه علی سبک های والدگری و سبک دلبستگی ناایمن با آمادگی به اعتیاد، از طریق میانجی گری ویژگی های شخصیتی و سبک های هویت در دانشجویان. فصلنامه علمی-پژوهشی اعتیاد پژوهی، ۱۱ (۴۲): ۱۲۵-۱۴۰
- رهبری، نسرین؛ باباپور، جلیل و صبوری مقدم، حسن. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت های حل مسئله و جرات ورزی بر تغییر نگرش نوجوانان دختر نسبت به سوء مصرف مواد، اعتیاد پژوهی، ۱۲ (۴۸)
- ریاحی، فاطمه. (۱۳۹۲). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های تصمیم گیری در سوء مصرف کنندگان شیشه، هروئین با افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، پردیس بین الملل.
- سیدفاطمی، نعیمه؛ خوشنوی فومنی، فاطمه؛ بهبهانی، نسرین و حسینی، فاطمه. (۱۳۹۲). ارتباط مهارت حل مسئله با مصرف قرص اکستازی در نوجوانان، روان پرستاری، ۱: ۱۹-۲۷
- صابر، فاطمه؛ موسوی، سیدولی اله و صالحی، ایرج. (۱۳۹۰). مقایسه ویژگی های شخصیتی و سبک های حل مسئله در مردان معتاد و غیرمعتاد، اعتیاد پژوهی، ۵ (۱۹): ۳۹-۵۶



معصومی فرد، طاهره؛ علیزاده، حمید و خامسان، احمد. (۱۳۹۳). مقایسه کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسئله در نوجوانان با و

بدون سوء مصرف مواد مخدر، اعتیادپژوهی، ۳۲: ۱۳۷-۱۵۶

ناصری، فرهاد. (۱۳۹۴). خود اتمادی روانی و سلامت روانی. تهران: نسل نو اندیش

Dritsas, I. & Theodoratou, M. (2017). Findings from a Large-Scale Empirical Research on Substance Abuse Prevention in Greece. *Global Journal of Addiction & Rehabilitation Medicine*, 2(5), 1-9.

Ellis, T. E. & Ratilff, K. G. (1995). Cognitive characteristics of suicidal and nonsuicidal psychiatric inpatients. *Cognitive therapy & Research*, 10(6), 625- 634

Ghobadi, M., Kazemnezhad Leili, E., Jafari Asl, M., Shafipour, S. Z. (2020). The Relationship Between Social Skills and Attitude Towards Substance Abuse Among High School Students, *Journal of holistic nursing and midwifery*, 30(3)

Habibi, R., Nikbakht Nasrabadi, A., Shabany Hamedan, M. & Saleh Moqadam, A. (2016). The Effects of Family-Centered Problem-Solving Education on Relapse Rate, Self-Efficacy and Self Esteem Among Substance Abusers, *international journal of high risk behaviors*, 5(1).

Khanjani S, Asmari Bardezard Y, Mohammad Aminzade D. (2020). The Effectiveness of Group Training Problem-solving Skills on Soldiers' Addiction Potential. *J Mil Med*, 22 (1) :46-53

Tajikzadeh, F., Zaree, F., Abbasi, F. (2016). The comparison of the problem solving style and abstract thinking between men undergoing methadone maintenance treatment (MMT) and men without addiction, *International journal of applied behavioral sciences*, 3(3)

Velasco, V., Griffin, K. W., Botvin, G. J., & Celata, C. (2017). Preventing Adolescent Substance Use through an Evidence-Based Program: Effects of the Italian Adaptation of Life Skills Training. *Prevention Sciences*, 28, 1-12.



The Relationship between problem solving with drug abuse in addicted men in Kermanshah

Abstract

The present study intended to examine the relationship between problem-solving skill and drug abuse among self-introduced male addicts in Kermanshah City. In terms of purpose, this is an applied research and the method of the study is descriptive correlational. The statistical population included all of the male addicts who referred to state and private treatment-centers of Kermanshah City in 2016. Using random convenience sampling, 120 people were chosen as sample. The data was collected via Linda et al. Social Problem-Solving Inventory (2000), and drug abuse personal information. To analyze the data, SPSS software was used. The findings showed that there is a relationship between problem-solving skill and drug abuse among self-introduced male addicts. The findings also showed that drug abuse among self-introduced male addicts can be predicted based on problem-solving skill. The overall results showed that problem-solving skill is related to drug abuse among self-introduced male addicts.

Keywords: Problem-solving skill, Drug abuse, Male addicts, Kermanshah city



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی